

خراسان مهد زنان اثرگذار

نگاهی به زندگی اولین بانوی دندان پزشک ایران



از گذشته تا امروز، خراسان و سرزمین خورشید هم خاستگاه بزرگان بوده هم مأمنی برای بزرگان از جای جای کشور. افراد مشهور زیادی از سراسر ایران و جهان در مشهد اقامت کرده و به این شهر خدمات ارزشمندی ارائه کرده‌اند از جمله بانو بدری تیمورتاش که دختر کریمداد نردینی خراسانی، از زمین داران بزرگ خراسان، بود و در سال ۱۲۸۷ خورشیدی در نردین زاده شد. اگرچه امروزه نردین از توابع استان سمنان محسوب می‌شود، آن زمان پدرش از خان‌های این منطقه و حاکم سبزوار بود. بانو تیمورتاش برای آموزش ابتدا به تهران و سپس برای تحصیل در رشته دندان پزشکی به بلژیک فرستاده شد. در سال ۱۳۱۳ خورشیدی بعد از تبعید خانواده‌اش به کاشمر برای همراهی آنان به ایران بازگشت و همراه مادرش تا سال ۱۳۱۸ خورشیدی در کاشمر زندگی کرد. مواجهه با شرایط سخت زندگی در آن دوران، باعث شد عهد ببندد پس از پایان این دوره، به مشهد بیاید و تا پایان عمر به مردم مشهد به‌ویژه قشر محروم خدمت کند. در سال ۱۳۱۹ خورشیدی برای گذراندن دوره تکمیلی دندان پزشکی به دانشگاه تهران رفت، مجوز دندان پزشکی در ایران را دریافت کرد و همراه مادرش به مشهد بازگشت. در این شهر، ابتدا در یکی از اتاق‌های بیمارستان امام رضا^(ع) به عنوان مطب شروع به کشیدن دندان می‌کند زیرا آن زمان مر سوم نبود که دندان را ترمیم کنند اما بعداً در مطب خصوصی خود در خیابان خسروی به مردم خدمت می‌کرد. در آن سال‌ها، زمانی که از کنار نهر نادری می‌گذشت، غالباً مشاهده می‌کرد افراد غیرتحصیل کرده که به کار کشیدن دندان و گذاشتن دست دندان مشغول بودند، ظروف بزرگ حاوی خون و بزاق را در نهر خالی می‌کنند، نهری که در فرودست، آب مورد نیاز زندگی روزمره مردم از آن تأمین می‌شد، برای ظرف یا لباس شستن یا تهیه قوت روزانه. پس با خود عهد بست دانشکده‌ای مانند آنجا که خود در بلژیک تحصیل کرده بود در مشهد بنا کند. یازده سال بعد، با ورود دکتر امیراسماعیل سندوزی به مشهد و پیگیری آن دو، سرانجام در سال ۱۳۴۴ تلاش‌ها به ثمر نشست و دانشکده دندان پزشکی مشهد تأسیس شد. دکتر بدری تیمورتاش را به جرئت می‌توان اولین بانوی اثرگذار در دندان پزشکی ایران و مادر این رشته لقب داد.

دکتر تیمورتاش در دوران زندگی در مشهد از هیچ کوششی برای خدمت به قشر محروم دریغ نکرد و تا پایان عمر پربار خویش هفته‌ای یک روز صبح‌ها در درمانگاه بیمارستان امام رضا^(ع) را ترک نکرد تا اینکه ۱۷ مهرماه ۱۳۷۴ چشم‌هاش جهان فرو بست و در قطعه ۱۳۹ صحن آزادی حرم رضوی در مشهد با احترام و بدرقه دانشجویان وفادارش به خاک سپرده شد.

عاطفه رنگامیز طوسی
کارشناس ارشد ادبیات

نویسنده‌ای که با کلمه

زندگی می‌سازد

هانیه سلامی راد آبان ماه ۱۳۶۳ در مشهد به دنیا آمده است. او در خانواده‌ای فرهنگی و هنرمند بزرگ شده و بخشی از دوران کودکی‌اش را در تهران زندگی کرده است. در حال حاضر در مقطع کارشناسی ارشد ادبیات و کودک و نوجوان تحصیل می‌کند و مهم‌ترین دغدغه‌اش استعدادیابی و پرورش کودکان و نوجوانانی است که به نوشتن علاقه‌مند هستند. سلامی راد نویسنده‌ای توانمند و خوش ذوق و بی‌تردید یکی از خلاق‌ترین مربیان ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. او

نگاهی به کتاب

«شاید عشق باشد شاید عادت»

مجموعه داستان خواندنی «شاید عشق باشد شاید عادت» شامل سیزده داستان کوتاه است با عنوان‌های «شاید عشق باشد شاید عادت»، «احترام»، «من ستاره‌ام»، «جایم زمین نیست»، «امانت»، «انفجار»، «تولد یک مرد»، «چراغ خانه»، «جوانه‌های بهاری»، «شکلات‌های سنگی»، «شما اول بفرمایید»، «قطار می‌رود»، «کاسکو» و «من هم برای خودم کسی شده‌ام». عنوان کتاب از اولین داستان کوتاه برداشته شده است. این مجموعه داستان از دغدغه‌های زنان جامعه امروز می‌گوید، زن‌هایی که در نقش مادر هستند یا همسر و خواهر. همه‌شان دنیای اطراف را خوب می‌بینند، خوب تحلیل می‌کنند و می‌خواهند پای در راه درست بگذارند. می‌خواهند فداکاری کنند و کسی را به زحمت نیندازند. شخصیت‌های اصلی همه داستان‌ها زنان هستند و فرار و نشیب‌های زندگی آن‌ها روایت شده است. در داستان اول، «شاید عشق باشد شاید عادت»، خانم مقدم برای تأمین معاش بچه‌هایش، بچه‌هایی که چند سالی است یتیم شده‌اند، در قسمت بازرسی زندان قزل کار می‌کند و همکاری به نام خانم رسولی دارد. در روز یکشنبه‌ای که متعلق به ملاقاتی‌های جرائم مربوط به اعتیاد است، با دختر جوانی مواجه می‌شوند که همسرش به‌تازگی به زندان افتاده است.

دختر بی‌قرار و آشفته است. پیرزنی به دختر جوان توصیه می‌کند عمرش را برای مردی که معتاد است و به زندان افتاده است حرام نکند. آن روز می‌گذرد و این دو همکار قسمت بازرسی، لقب دختر عاشق را به آن دختر جوان می‌دهند و رفت‌وآمدش را زیر نظر می‌گیرند. آشفتگی دختر به مرور زمان کم و کمتر می‌شود و همین‌طور ملاقات‌هایش تاروپی که دیگر آمدنش بوی ملاقات آمدن معمول را ندارد. در داستان «امانت»، زنی می‌خواهد پسر یک‌ماهه‌اش را علی‌رغم میل باطنی‌اش در حرم حضرت معصومه^(س) بگذارد و برود. داستان «انفجار» از سختی‌های زندگی همسر جانبازی می‌گوید که در عملیات کربلای ۴ موج انفجار بر او اثر گذاشته است و واکنش‌های متفاوت فرزندان، پدر را اندوهگین می‌کند. روایت امروز این زن به همراه روایت از عملیات کربلای ۴ به خواننده می‌فهماند یا اینکه جنگ تمام شده است، خانواده‌های جانبازها هم چنان با جنگ زندگی می‌کنند.

«شاید عشق باشد شاید عادت» نوشته مرضیه نفری است که از سوی انتشارات سوره مهر در ۱۱۰ صفحه و با شمارگان هزار و ۲۵۰ نسخه به چاپ رسیده است. مرضیه نفری از اهالی فرهنگ و ادبیات متولد خرداد سال ۵۹ در شهر قم است. به گفته خودش، نویسندگی را دوست دارد و گاهی داستان می‌نویسد. خانم نفری مدتی نیز نویسندگی برنامه‌های رادیویی را بر عهده داشته و به تدریس

داستان‌نویسی در دانشگاه، حوزه هنری، فرهنگ‌سراها و کتابخانه‌ها پرداخته است. هم‌چنین چند دوره در کتابخانه‌های مختلف قم مدیر کتابخانه بوده است و در کارنامه خود چاپ آثار داستانی از جمله «شاید عشق باشد شاید عادت»، «شب‌های بی‌ستاره»، «زمستان بی‌شازده» و «جامانده از پسر» و همین‌طور کسب بیش از ده‌ها رتبه ملی و استانی را در داستان‌نویسی دارد.

شاید عشق باشد شاید عادت

نویسنده: مرضیه نفری

درک فلسفی کودکان، رشد آگاهی و تفکر و احساسات آن‌ها بسیار تأکید دارد. با آن‌ها گفت‌وگو می‌کند و برایشان از میان کتاب‌های قدیمی قصه می‌گوید. او با جدیدترین آثار ادبی نویسندگان و شاعران جهان آشناست و از طریق فضای مجازی هم‌چنین داستان خوانی در یادگست‌ها و ویدئوهای کوتاه با عنوان «کلمه از کلمه» آن‌ها را به کتاب‌خوانی و مطالعه مستمر ترغیب می‌کند. سلامی راد برای برنامه‌های روزانه و مناسبتی بسیاری در رادیو خراسان نویسندگی کرده است و گوینده آیت‌های نیایش گونه زیبایی در رادیو خراسان بوده است. برای او هر آنچه به خلق کلمات و گسترش دایره‌واژگانی منجر شود و مردم آن را به یاد بسپارند جذابیت دارد و به سهم خود تلاش می‌کند با برگزاری برنامه‌های همگانی و حمایت از رویدادهای ادبی، مهر ادبیات را همچون بذری در دل بچه‌ها و بزرگسالان بکارد تا دید وسیع‌تری به زندگی و جهان پیرامونشان داشته باشند.

سال‌ها با برگزاری کارگاه‌های ادبی شعر و داستان در مشهد توانسته است بچه‌های زیادی را در مسیر نوشتن و بالندگی ادبی همراهی کند. کارگاه‌های ادبی و نوشتن خلاق او در مراکز مختلف کانون پرورش فکری مشهد هم‌چنین در مجموعه انتشارات امام و پردیس کتاب مشهد با نام «بچه‌های پنجشنبه» با استقبال خوب بچه‌ها و همراهی امیدبخش والدین آن‌ها همراه بوده است و بسیاری از اعضای آن توانسته‌اند در جشنواره‌ها، مهرواره‌ها و مسابقات ادبی استانی و کشوری از برگزیدگان باشند. کلاس‌های هانیه سلامی راد همیشه از حال و هوایی پرشور و هیجانی برخوردار است که برای بچه‌ها خوشایند و دوست‌داشتنی است. آن‌ها در این کلاس‌ها هم‌زمان در کنار تمرین‌های بهتر نوشتن و انجام طرح‌های ادبی، بازی می‌کنند، شعرخوانی گروهی دارند و با مهارت‌های مختلف زندگی آشنا می‌شوند. هانیه سلامی راد بر پرورش